



خلفا

کلیدواژه: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، خلفا.
پرسش: با توجه به اینکه خلفای سه‌گانه در طول حیاتشان در عصر پیامبر اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله - هیچ‌گونه خطایی و خلافی مرتکب نشده و همراه اعمالشان مورد تأیید نبی مکرم اسلام بوده است، چرا مورد ملامت شیعه هستند؟
پاسخ: این مطلب که هیچ‌گونه خطایی از افراد یاد شده سرزده باشد، قابل قبول نیست؛ چراکه مواردی از خطاهای آنها در منابع تاریخی شیعه و اهل سنت آمده است.

فهرست مندرجات

- ۱ - خطاهای خلفای سه‌گانه
 - ۱.۱ - روایتی از انس
 - ۱.۲ - روایت عسقلانی به نقل از انس
 - ۱.۳ - روایتی از ابی‌الحدید
- ۲ - ادله ملامت شیعه
 - ۲.۱ - روایتی از سلمان
 - ۲.۲ - روایتی از امرسلمه
 - ۲.۳ - روایتی از عمار
 - ۲.۴ - روایتی از عبدالله بن مسعود
 - ۲.۵ - واقعه غدیر خم
 - ۲.۶ - اقدامات منفی دیگر خلفا
- ۳ - پانویس
- ۴ - منبع

خطاهای خلفای سه‌گانه

خطاهای خلفای سه‌گانه عبارتند از: فرار از جنگ، اعتراض بر پیامبر، عدم اطاعت از برخی دستورات پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - ... برای مثال: بعد از **زول آبه حرمت** شراب باز هم خلیفه اول و دوم اقدام به این عمل نمودند و حتی ابوبکر در ضمن میگساری، اشعاری را در **سوغ** کشته شدگان بدر سرود؛ وقتی خبر آن به پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - رسید و ایشان خشمگین شدند و ابوبکر قول داد دیگر چنین نخواهد کرد.

← روایتی از انس

انس بن مالک در این رابطه چنین می‌گوید: من آن روز ساقی آن گروه (ده نفر) بودم و باده (شراب) انگور و انجیر را به هم آمیخته بودیم و در میان ما ابوبکر بود که می‌گفتند، وقتی از **شراب** نوشید گفت: مادر بکر را با درود خویش خوش‌آمد می‌گویم...

← روایت عسقلانی به نقل از انس

عسقلانی در ادامه نقل از انس چنین می‌نویسد: برخی پنداشتند که مقصود ابوبکر **صدیق** است، اما چنین نیست؛ ولی اینکه نام عمر در میان (ده نفر) آمده است، معلوم می‌شود که در نشان کردن او (ابوبکر) با نام صدیق لغزشی روی نداده است.^[۱] و نام ده نفر را که ابوبکر و عمر هم در آن هست می‌آورد.

← روایتی از ابی‌الحدید

همچنین در مورد خلیفه دوم **ابی‌الحدید** می‌نویسد: عمر در **صلح حدیبیه** که به پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - گفت: آیا تو برای ما نگفتی که به‌زودی وارد **مکه** خواهید شد. و آن‌چنان الفاظ و کلمات زشتی بر زبان آورد، که **پیامبر** - صلی‌الله‌علیه‌وآله - از او پیش ابوبکر گله کرد.^{[۲] [۳]}

ادله ملامت شیعه

اما دلایل ملامت شیعه نسبت به خلفا متعدد است که مهم‌ترین آن مسئله **غصب** خلافت می‌باشد با توجه به اینکه پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - بارها و به‌صراحت در زمان‌ها و مکان‌های مختلف چه در مجالس عمومی و چه خصوصی **علی** - علیه‌السلام - را به‌عنوان جانشین پس از خود تعیین فرموده بود، اما پس از **رحلت** پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - برخلاف توصیه‌های پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - عمل شد.

← روایتی از سلمان

سلمان فارسی می‌گوید: از پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - شنیدم که فرمود: «همانا برادرم و وزیرم و بهترین کسی را که پس از خود به جانشینی و خلافت برمی‌گزینم، **علی بن ابی‌طالب** است».^[۴]

← روایتی از امرسلمه

امرسلمه می‌گوید: پیامبر به من فرمود: «خداوند اختیار فرموده از هر امتی پیغمبری را و برای هر پیغمبری اختیار فرموده وصی‌ای را، من پیغمبر **دین اسلام** هستم و علی وصی من است در **عترت** من و اهل‌بیت من و در امت من بعد از من».^[۵]

← روایتی از عمار

عمار یاسر می‌گوید: پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - فرمود: «به آن‌کس که به من **ایمان** آورده و مرا تصدیق نموده است، سفارش به ولایت علی بن ابی‌طالب می‌نمایم؛ پس هر کسی که **ولایت** او را بپذیرد، ولایت مرا پذیرفته است و معتقد به ولایت من، پیرو ولایت الهی است.»^{[۶] [۷]}

← روایتی از عبدالله بن مسعود

عبدالله بن مسعود می‌گوید: روزی با پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - همراه بودیم، رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله - فرمود: خالم خوش نیست. گفتم: یا رسول‌الله! جانشین خود را در میان امت تعیین کن؛ فرمود: چه کسی؟ گفتم: علی؛ فرمود: «افسوس می‌خوردم از اینکه امت زیر بار آن نخواهد رفت و به خدا سوگند که اگر علی بن ابی‌طالب را به خلافت برگزینم و امت من از او پیروی کند، او همه امت را به سرچشمه زلال رستگاری رهنمون خواهد نمود؛ ولی اگر از فرمانش سرپیچی کنند، هر عمل و عبادتی را که بدون پیروی از او انجام دهند، همه از بین خواهد رفت.» [۸]

← واقعه غدیر خم

واقعه غدیر خم نیز از آشکارترین وقایعی است که در آن به‌صراحت جانشین علی - علیه‌السلام - بیان شده است و حتی از مردم بیعت گرفته شد. که گزارش آن در منابع اهل‌سنت هم آورده شده است. [۹] [۱۰] در پایان سخنان خود و احمد بن حنبل این حدیث را از چهل طریق روایت کرده و ابن جریر طبری از هفتاد و چند طریق و جزری از هشتاد طریق و ابن عقده از ۱۰۵ طریق و ابوسعید سجستانی از ۱۲۰ طریق... روایت کرده‌اند. [۱۱] که پیغمبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - مردم به بیعت با حضرت علی - علیه‌السلام - شتافتند و گفتند: شنیدیم امر خدا و رسولش را و به دل و زبان و جمیع جوارح خود فرمانبرداریم، سپس با دست‌های گشاده برای مسافحه و بیعت بر رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و علی - علیه‌السلام - آمدند و اولین کسانی که دست خود را به‌عنوان اطاعت و بیعت به پیغمبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و علی - علیه‌السلام - رساندند، ابوبکر و عمر و عثمان و طلحه و زبیر بودند، با باقی مهاجران و انصار و سایر مردم...» [۱۲]

← اقدامات منفی دیگر خلفا

اما متأسفانه با همه این توصیه‌ها و صراحت در تعیین جانشین، بعد از رحلت پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - در سقیفه اجتماع کردند و مدعی شدند که پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - جانشینی برای خود تعیین نکرده است، و خودشان، خلیفه تعیین کرده و در مسیر خلافت انحراف ایجاد نمودند و بسیاری از پیامدهای منفی که در اثر همین انحراف مسیر خلافت، به‌وجود آمد تا منتهی شد به خلافت طلقاء (آزاد شده‌ها: آن کسانی که در فتح مکه مورد عفو پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - واقع شدند)، و تبدیل خلافت به سلطنت و موروثی شدن آن. و البته اقدامات دیگری خلفا در حیات پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و بعد از حیات پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - مرتکب شدند، نظیر واقعه یوم‌الخمیس که عمر بعدها در زمان خلافت خودش به ابن عباس گفت: «وقتی پیامبر دوات و کتف خواستند، من فهمیدم که می‌خواهد امارت علی - علیه‌السلام - را یادآوری کند و لذا من نگذاشتم.» [۱۳] و حوادث دیگری نظیر غصب فدک، ایزدای حضرت زهرا علیها‌السلام، جلوگیری از ذکر احادیث پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و عدم اجرای حدود، تحریف و بدعت در دین، پناه دادن عناصر مطرود پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - نظیر حکم بن ابی‌العاص از سوی خلیفه سوم، حیف و میل کردن بیت‌المال... از جمله اقداماتی بود که بعد از رحلت پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - انجام دادند و از نقاط ضعف آنها محسوب می‌شود. و شیعه، آنها را به‌واسطه این اقدامات مورد ملامت قرار می‌دهد.

پانویس

- ↑ عسقلانی، ابن هجر، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۱ ق، ج ۱۱، ص ۱۵۸ - ۱۵۹.
- ↑ واقدی، المغازی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ سوم، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۰۶.
- ↑ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۱۸۲.
- ↑ الحافظ الموفق بن احمد الحنفی (اخطب خوارزم)، المناقب للخوارزمی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، سوم، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۱۲.
- ↑ الحافظ الموفق بن احمد الحنفی (اخطب خوارزم)، المناقب للخوارزمی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، سوم، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۴۷.
- ↑ ابوالحسن علی بن مجد الواسطی الشافعی، مناقب امیرالمؤمنین، بیروت، دارالمکتبه الحیاة، ص ۱۵۴.
- ↑ الحافظ شیرویه دیلمی، فردوس الاخبار، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۲۴۶.
- ↑ الحافظ الموفق بن احمد الحنفی (اخطب خوارزم)، المناقب للخوارزمی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، سوم، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۱۲.
- ↑ ابن کثیر، البداية و النهایة، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۳۷۶.
- ↑ الحافظ سلیمان بن ابراهیم الحنفی، نایب المودة؛ قم، انتشارات الشریف الرضی، هفتم، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۲۹۷.
- ↑ امینی، الغدیر، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، اول، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۲۴.
- ↑ امینی، الغدیر، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، اول، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۳۱۸. به نقل از مجد بن جریر طبری، الولاية ص ۲۶۰ ۳۵۸.
- ↑ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۲، ص ۷۹.

منبع

سایت اندیشه قم

رده‌های این صفحه : تاریخ خلفاء